

نباید غافل شد که اصل حمل فعل غیر بر صحت که در مجال مورد بحث به کارآمدی آن اشاره شد، در وقتی است که پای فعل غیر در میان باشد والا اگر اثبات فعل از طریق قول باشد، کار مشکل می‌شود؛ زیرا ما «اصالت حمل قول غیر بر صدق» نداریم؛ بنابراین اگر ضابط قضایی ادعا کرد که ما از فلانی اقرار گرفتیم و او اقرار کرد، این که فعل ضابط را حمل بر صحت کنیم و بگوییم: اقرار را به اختیار گرفته‌اند، صحیح است اما اینکه قول او را حمل بر صدق کنیم، و بگوییم: متهم اقرار کرده است، در این باره اصلی نداریم.

با آن چه در این شماره بیان گردید، پاسخ بخشی از پرسشهای گذشته معلوم می‌گردد.

2. نسبت به ضمان، حکم واقعه روشن است؛ با این توضیح که در صورت جواز داوری - شرعا به حسب اعتقاد و حجتی که قاضی دارد - پرداخت خسارت بر عهده بیت المال است (در تعبیر دقت شود) و الا شخص قاضی - با توجیه خطا به سوی او - ضامن است. آن چه قابل توجه است این که با فرض ناهمسویی اقتضای قانون و شرع، قاضی نمی‌تواند مسئولیت را از دوش خود مرتفع ببیند. با این توضیح لازم است در پاسخ به پرسش سوم از پرسش‌های گذشته، قائل به تفصیل شد.

3. به نظر می‌رسد - جهت ارائه راه حل شرعی، برای گشایش در امر قضا - قاضی از مجموعه اطلاعاتی که در اختیار او قرار می‌گیرد می‌تواند راهی به علم قطعی یا اطمینان - بنابر کفایت اطمینان¹ - پیدا کند.

همسو با این مفاد، قانون‌گذار ج. ا. ایران در ماده 176 از ق. م. ا. مصوب 1392 مقرر کرده:

«در صورتی که شاهد، واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تاثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی، با دادگاه است.»

در تبصره ماده 211 از همان قانون آمده است:

«مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قراین و امارات که نوعا علم آور باشند، می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال، مجرد علم استنباطی - که نوعا موجب یقین قاضی نمی‌شود - نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.»

1. اطمینان به معنای علم عرفی است و رأی به اعتبار آن در داوری نسبت به دعاوی حقوقی، قابل دفاع است.

4. نکته قابل توجه و تامل دیگر این که

در پرسش اول آمده بود: «عدالت شهود، فرماندهان و ماموران پاسگاه و کارشناسان، همیشه قابلیت احراز ندارد، اما قانون، قاضی را مکلف به پذیرش و قبول نموده است»؛
و در سوال دوم آمده بود: «طبق قانون، گزارش ضابطین قوه قضاییه حجت می باشد و می بایست مستند حکم قرار گیرد».

و این در حالی است که به اقتضای تبصره مورد اشاره، قاضی ملزم به پذیرش نظر کارشناس، گزارش ضابطان و... نیست.

همین قانون در ماده 160 نیز مقرر میدارد:

«ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و

علم قاضی است».

در تبصره ماده 15 از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری نیز می خوانیم:

«گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند».

رویه قضایی نیز بر این است که قاضی با تردید در صحت فرایند تشکیل پرونده، می تواند از قضاوت خودداری کند و درخواست یا دستور مجدد برای تشکیل پرونده دهد. بنابراین، بخشی از پرسش های سابق نیز به هم می ریزد.

گفتنی است در قانون ج. ا. ایران، وضعیت اقرار و سایر امارات قضایی دیگر، غیر از شهادت کارشناس و گزارش پلیس یا ضابطین قضایی است؛ در امارات قضایی مرجع، با استجماع شرایط شرعی، قاضی باید طبق اماره دآوری کند، هر چند آن امارات هیچ اطمینانی به قاضی ندهد، مگر اینکه برخلاف آن، علم (و یا اطمینان؟) داشته باشد.

9. ورود مقام قضایی² به مرحله تحقیق و تفتیش در کشاکش اثبات و انکار

این عنوان می تواند نماینده چند پرسش باشد:

مثل

آیا مقام قضایی می تواند (یا باید) به تفتیش از وضعیت شاهدان بپردازد و اگر نزد او مجهول بودند، رفع جهل نماید یا مقام قضایی چنین تکلیفی ندارد؟

تکلیف مقام قضایی نسبت به تحقیق و تفتیش از شناسایی مجرم چیست؟

حکم جستجو از اصل ارتکاب جرم چیست؟

2. منظور از «مقام قضایی»، قاضی است و ورود او می تواند به شکل مباشر یا با واسطه باشد.